

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۵ نومبر ۲۰۱۶

چپه گرمک سوریه

۲-۵

به ادامه گذشته:

در قسمت قبلی این بخش، بسیار مختصر ترکیب نیروهای ضد رژیم "اسد" و مناطق نفوذ آنها را در شهر "حلب" معرفی داشتیم. در این بخش خواهم کوشید تا باز هم به صورت مختصر مواضع سیاسی و نظامی رژیم "اسد" و "ولادیمیر پوتین" را در قبال همان شهر و سیاست کلی امپریالیزم غرب حین صلحخواهی های آنها تذکار داده، به چرا توقف بمباران حلب، پاسخ خودم را ابراز دارم.

این که "بشار اسد" خوب است و یا بد باشد سرچایش، اما در این که شناختش از سیاست های صلحخواهانه امپریالیسم در حد قابل ملاحظه ای دقیق است، هیچ جای شکی وجود ندارد. نامبرده در آخرین مصاحبه اش با روزنامه «پولیتیکا»، چاپ صربستان افزود: «غربی ها تلاش می کنند از آتش بس برای کمک به تروریست ها و واگذاری کمک های لوژستیک، اسلحه و پول استفاده کنند تا آنها قوی تر شده و دوباره حملات خود را آغاز کنند». رئیس جمهور سوریه اعلام کرد: «تروریست ها و تروریسم برای امریکا و متحدانش برگمی هستند که آنها با کمک آن می خواهند در صحنه سوریه بازی کنند» و تأکید کرد امریکا در هر ناکامی در رابطه با آتش بس مقصر است. به نقل از سیوتیک «در همین رابطه پوتین نیز می گوید:

«به گزارش پایگاه خبری اکسپرس، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در جریان سخنرانی در جمع سیاستمداران روس و خارجی و تعدادی از تحلیلگران سیاست خارجی، بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا را محکوم و از تصمیمش برای مبارزه در شهر حلب دفاع کرد.

پوتین گفت: بمباران شهر حلب سوریه به خاطر رویکرد تهاجمی برخی کشورهای عضو سازمان ملل صورت گرفت و تا زمانی که ائتلاف تحت رهبری امریکا از حملات خود دست نکشد، بمباران حلب متوقف نخواهد شد. اگر ما نباید در حلب باشیم چرا شما در موصل هستید؟

وی افزود: بگذاریم همه چیز همانطور که هست بماند. کاری به رقه نداشته باشیم. ما همیشه از جانب شرکای امریکایی مان موضوع رقه و این را که چطور تروریست ها باید نابود شوند اما غیرنظامیان زنده بمانند، می شنویم. آنها تا آخر مبارزه می کنند. هیچ گزینه دیگری وجود ندارد. ما باید تا آخر مبارزه کنیم. آیا شما از ما می خواهید وقتی

مردم در شهرها گروگان گرفته می‌شوند کاری انجام ندهیم و آن‌ها را تنها بگذاریم؟- نقل گزارش از "پایگا خبری

تحلیلی تراز" <http://www.taraznews.com>

با در نظر داشت مواضع "پوتین" و "اسد"، توقف بمباران شهر حلب از طرف روسها و رژیم "اسد"، آنهم در آستانه شکست کامل نیروهای محاصره شده و با وجود تحریکات بس خطرناک محصورین، سؤالیست که هدف از این نگارش را می‌سازد. لازم به یادآورست بیفزایم، دلایلی که در این جا از طرف من مورد بحث قرار می‌گیرد، نظرات شخصی خودم بوده به همان سانی که از جانی اقتباس نشده تا مأخذ آن تذکار یابد، احتمال این که تمام آن‌ها خطا باشد و یا همه در پیوند با همدیگر عمل نمایند، نمی‌تواند منتهی باشد، به همین اساس از تمام علاقه‌مندان به قضیه صمیمانه تقاضا دارم تا با ابراز نظرات شان کمبودها و نقایص طرزکارم را تصحیح نموده بر من منت گذارند.

به نظر من، توقف بمباران برای بیش از دو هفته، آنهم در حساس‌ترین موقع جنگی، می‌تواند دلایل سیاسی، نظامی و تبلیغاتی داشته باشد، که در ذیل به صورت مختصر به آنها اشاره می‌گردد:

۱- از نظر سیاسی در خطوط کلی خود شامل دو بخش می‌گردد، بخش اوضاع داخل سوریه و اوضاع بین‌المللی به خصوص امریکا.

تا جایی که تجارب تاریخی در تمام ادوار نشان داده است، بدون استثناء وقتی شهری به محاصره کشیده می‌شود، عکس العمل مردم شهر و حمایت و یا عدم حمایت آنها از نیروی نظامی داخل آن شهر، مطلقاً ارتباط می‌گیرد به این که مردم شهر محاصره شده، نسبت به جنگ و محاصره چه نظری دارند، یعنی آیا جنگ را جنگ خود دانسته و با نیروی مدافع شهر محصور خود را هم هویت دانسته حاضراند هر فردی در راه حفظ شهر کشته شوند اما شهر شان به دست دشمن نیفتد و یا این که، نسبت به نیروی نظامی داخل شهر نظر مثبتی نداشته، آنها را یا بیگانه و متجاوز می‌دانند و یا هم نیروی ظالم و جباری که سقوط و نابودی آن نیرو، آرزوی همگانی شهریان را می‌سازد.

ما در تاریخ پر از فراز و نشیب کشور ما، نمونه‌های طولانی مدت چنین محاصره‌ها و مقاومت‌های طولانی مدت بیش از ۱۱ ماه را هم در قرن ۱۹ هجری که قاجاریان در دو نوبت می‌خواستند، هرات را از پیکر کشور ما جدا سازند، مطالعه کرده ایم، در سطح جهانی بزرگترین نمونه آن در قرن بیست محاصره و دفاع از "ستالین‌گراد" و در قرن بیست و یک در حد محدود تری نمونه "کوبانی" می‌تواند مطرح بحث قرار گیرد.

در تمام این محاصره‌ها که با مرگ و نیستی و هزاران مصیبت مشهود و غیر مشهود همراه بود، از آن جایی که شهریان تحت محاصره، خود را با نیروهای نظامی هم هویت می‌دانستند و زندگی و مرگ آنها را زندگی و مرگ خود و شهر شان می‌دانستند، تا پای جان به دفاع از شهر و دیار شان پرداخته، با حماسه‌آفرینی‌های شان افتخارات تاریخی را نصیب خویش گردانیدند.

بر گردیم به محاصره شهر حلب. این که مردم محاصره شده تا چه حدودی خود را با نیروهای نظامی مستقر در داخل شهر، یعنی جبهه النصره و القاعده، هم هویت تلقی می‌نمایند، دشوار است آن را پذیرفت، در نتیجه چیزی که باقی می‌ماند احتمال مخالفت بالقوه آنها با نیروی نظامی مسلط در داخل شهر. هرگاه قضیه همین‌طور باشد، توقف بمباران، در واقع دامن زدن به اختلافات در داخل شهر محاصره شده و مخالفت‌های بالقوه را به بالفعل مبدل نمودن است. در واقع نیروهای روسیه و رژیم "اسد" ضمن توقف عملیات جنگ هوایی، فعالیت‌های تخریبی شان را در زمینه تبلیغات نظامی ادامه داده، با این حرکت می‌خواهند، نخست تعدادی از شهریان را یا از شهر بیرون نمایند و یا هم این که بخشی از نیروی نظامی مستقر در داخل شهر را جهت کنترل اهالی شهر از خط مقدم بیرون کشیده، در عین حال تضادهای آنها را تشدید نمایند و در ثانی به محض آغاز و از سرگیری بمباران، مردم شهر را در تقابل با نیروی نظامی

مسلط در داخل شهر قرار دهند و از همه گذشته یک نوع بینی خمیری احتمالی برای فرار از محکومیت شان در قبال تلفات بعدی تدارک ببینند.

و اما به ارتباط مسائل بین المللی، مهمترین مسأله، انتخابات ریاست جمهوری در امریکا است. این نکته به همه واضح گردیده که خانم "هیلمری کلینتن" نه تنها طراح و بانی جنگ سوریه بوده، بلکه به مثابه نوکر قلاده به گردن جناح های مختلف سرمایه نظامی، سرمایه نفتی، سرمایه ربائی و بانکی و سرمایه صنعتی، عزم خویش را بار ها اعلام داشته است که در صورت موفقیت، شکل جنگ را در سوریه تغییر داده حتا با پذیرش رفتن به طرف یک جنگ هسته ئی با رقیب روسیه، به زور نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا، "اسد" را به مانند "قذافی" دو شقه خواهد نمود.

واضح است که برای رسیدن به چنین هدفی، خانم "کلینتن" به علاوه نوکری جناح های مختلف جنگ طلب سرمایه، به تحمیل و فریب مردم امریکا با توسل به "وطنپرستی امریکائی" و چنین احساسی را دامن زدن، سخت نیازمند است. باز هم واضح است که تشدید جنگ و بمباران در حلب و سایر شهر های سوریه از جانب روسها و رژیم "اسد" می تواند بهترین خوراک تبلیغاتی برای رسانه های وابسته به امپریالیزم و در خدمت پیروزی "کلینتن" قرار بگیرد. با در نظر داشت چنین حالتیست که به نظر من، روسها و رژیم "اسد" به صورت غیر مستقیم به کمک رقیب خانم "کلنتن" یعنی "ترامپ" رفته، با گرفتن امکان تبلیغاتی "وطنپرستی امریکائی" از نزدش، وی را ناگزیر ساخته اند تا مرکز ثقل مبارزات انتخاباتی اش را علیه رقیب قمار بازش، به نکاتی معطوف سازد که زیاد به نفعش نمی باشد.

۲- از لحاظ نظامی ایجاد وقفه در بمباران وقتی با محاصره کامل اکملاتی طرف مقابل همراه باشد، گذشته از این که باعث بروز ضعف و کاستی ها در نیروی محاصره شده می گردد، به احتمال قریب به یقین، بیشتر به منظور تمرکز نیروی بیشتر و سرکوب قاطع آنها اتخاذ شده است. در روز های اخیر از طریق تمام رسانه های امپریالیستی همه در جریان قرار داریم که روسها با فرستادن کشتی های طیاره بردار و تدارکات بحری شان در بحیره مدیترانه، آمادگی به جنگی گرفته اند که اگر در همان ساحه به صورت مستقیم با تمام ناتو هم درگیر شوند، چیز دیگری ندارند تا بر آن بیفزایند. در نتیجه وقتی به چنین آمادگی نظامی از جانب روسها بر می خوریم، متوجه می شویم که برای آنها مسأله تصرف شهر حلب، از چنان اهمیتی برخوردار است که حاضر اند با ناتو نیز دست به گریبان بگردند.

این آمادگی چه به منظور اعلام عزم راسخ آن کشور در دفاع از مواضعش در سوریه باشد و بدان وسیله بخواهد به رقباء جنگ و دندان نشان دهد و چه هم واقعاً در خدمت حل معضل حلب به دمعنای سرکوب کامل آن باشد، بیشتر از آن است که غرب در آن منطقه بتواند جلو سقوط و نابودی دستنشانندگان تروریستش را در داخل حلب بگیرد.

بلافاصله باید افزود که چنین تمرکز نیروئی نه تنها برای نابودی جبهه النصره کفایت می کند، بلکه در حدی است که در جریان یک حرکت غافلگیرانه، رقه را نیز از دست داعش بیرون بیاورد. به خصوص فعلاً که راه ارتباط رقه و موصل به وسیله نیروهای شیعه عراق - بخوانید دست دراز سپاه پاسداران ایران و متحد نزدیک روسها- قطع شده، نه تنها مسیر عقب نشینی داعشی ها از عراق به سوریه را مسدود ساخته است، بلکه امکان هر نوع کمک رسانی امپریالیست ها را به رقه، پایتخت داعش در سوریه، زیر سؤال برده است.

۲- احتمال این که "پوتین" و "اسد" برای فرار از جنگ تبلیغاتی که غرب علیه آنها به راه انداخته، چنین تصمیمی را اتخاذ نموده باشند، هر چند کاملاً منتفی نیست، مگر نمی تواند علت اصلی قطع بمباران باشد. چه آنها به نیکوئی می دانند که رسانه های امپریالیزم غرب، به هیچ صورتی آنها را رها ننموده، حتا اگر احیاناً کدام خدمتی هم به مردم سوریه از آنها سرزند، رسانه ها آن را معکوس به خورد مراجعان خود خواهند داد.

وابستگی رسانه های غربی به جناح های مختلف سرمایه نظامی و مالی، در تمام این مدت به وضاحت نشان داده است که آنها هیچ گاه و در هیچ حالتی آن چه را به ضرر امپریالیزم باشد گزارش نداده و نخواهند داد. در همین مقطع کنونی، قطع ارسال خبر از آنچه در "موصل" می گذرد، بیشتر از پیش چهره پلید و دستان خونین امپریالیزم را در کل نشان می دهد.

در حالی که بیش از یک هفته از عملیات به اصطلاح آزاد سازی موصل می گذرد و طرف داعش قدم به قدم در زیر شدید ترین حملات زمینی و هوایی نابود و یا عقب زده می شود، رسانه ها حتی یک کلمه هم در رابطه با تلفات آن عملیات گزارش نداده اند، آنها از پیشروی نیروهای ائتلاف تحت رهبری امپریالیزم جنایت گستر امریکا، چنان یاد می نمایند، توگویی به تفریح برآمده، از راه قرغه و بعد از دیدار بند آنجا، راهی پغمان اند.

در خاتمه این بحث باید افزود، قطع بمباران به هر دلیلی که صورت گرفته باشد، دیری دوام نخواهد کرد، رژیم "اسد" و روسها دیر یا زود دوباره به بمباران آن شهر آغاز نموده، جهت تحقق اهداف خویش، به هزاران تن را به خاک و خون خواهند کشانید، شاید همین امروز، شاید تا چهار روز دیگر، مگر به یقین قبل از ختم سال حمام خون حلب اتفاق خواهد افتاد. و اما این که غرب در کل و امپریالیزم جنایت گستر امریکا به صورت خاص در قبال این قضیه چه عکس العملی نشان خواهد داد، گذشته از این که ارتباط می گیرد به چگونگی روند قضایا در عراق و مسئله موصل، مشخص شدن مستأجر ۴ سال آینده کاخ سفید نیز در روند آن رول اساسی خواهد داشت.

تا تذکر دیگر.